

سوره نهم - توبه

این سوره در مدینه نازل شده و ۱۲۹ آیه دارد.

(این سوره برخلاف سوره‌های دیگر قرآن با بسم الله الرحمن و الرحيم شروع نشده است!) این بیزاری خدا و رسول او است به سوی کسانی از مشرکان که با آنها وعده و پیمان بسته‌اید و این که خدا زبون کننده کافران است. (۲) و اعلانی است در روز حج اکبر از جانب خدا و رسولش به مردم که خدا و رسول از مشرکان بیزارند! پس اگر توبه کنید به خیر و صلاح خود شما است و اگر روی برگردانید و بدانید که شما عاجزکنندگان خدا نیستید. کافران را به عذاب دردناکی بشارت بده! (۳) مگر آن کسان از مشرکان که شما با آنها عهد بسته‌اید و آنها آن را کاملاً رعایت کرده چیزی از آن فرونگذاشته‌اند و کسی را بر ضدیت شما یاری ننموده‌اند. در این صورت پیمان با آنها را تا پایانش نگاهدارید. همانا خدا پرهیزکاران را دوست دارد. (۴)

و چون ماه‌های حرام سپری شود مشرکین را هر جا که یافتید بکشید. دستگیر کنید. محاصره نمایند. و از هر سو در کمین آنها باشید. پس اگر توبه کردند نماز برپا داشته زکات دادند دست از آنها بردارید همانا خدا آموزگار مهربان است. اگر کسی از مشرکان از تو پناه بخواهد او را پناه بده تا کلام خدا را بشنود. سپس او را به امانگاهش برسان. این برای آن است که آنها جماعتی هستند که (آیات و احکام خدا را) نمی‌دانند. (۵ - ۶)

چگونه ممکن است برای مشرکان در پیش خدا و نزد پیامبرش عهد و پیمانی باشد. جز آنهایی که شما در مسجدالحرام با آنها پیمان بستید. پس تا زمانی که آنها در این پیمان پایداری نمایند شما هم در آن پایداری کنید که خدا تقوی پیش‌گیرندگان را دوست دارد. چگونه (پیمانی با مشرکان باشد که) اگر بر شما دست یابند هیچ قرابت و خویشاوندی و هیچ پیمانی را درباره شما رعایت نمایند! آنها با زبان‌بازی‌های خویش شما را خشنود سازند در حالی که دل‌هایشان خواهان آن نیست و بیشتر آنها تبهکارانند! آنها آیات الهی را به‌بهای اندک فروشند و مردم را از راه خدا بازدارند! چه زشت است آنچه آنها می‌کنند! در مورد هیچ مؤمنی خویشاوندی و عهد و پیمان را مراعات نکنند و آنها جماعتی تجاوز گراند! (۷ - ۱۰) پس اگر توبه کنند و نماز برپای دارند و زکات بدهند در این صورت برادران دینی شما هستند. ما آیات را برای اهل دانش تفصیل می‌دهیم. اگر آنها پس از عهده که بستند پیمان شکستند و به دین شما لطمه زدند در این صورت با پیشوایان کفر پیکار کنید زیرا آنها را عهد و پیمان استوار نیست. باشد که از تجاوز و طعن دست بردارند. (۱۱ - ۱۲)

چرا با گروهی که پیمان شکستند و بر اخراج پیامبر از دیارش کوشیدند نجنگید؟ در صورتی که اول بار آنها به شکستن عهد و پیمان آغاز کردند. آیا از آنها بیم دارید در حالی که اگر ایمان داشته باشید خدا شایسته‌تر است که از او بترسید! با آنها بجنگید. خدا با دست‌های شما آنها را عذاب کند و خوار و زبونشان گرداند و شما را در برابر آنها یاری دهد و دل‌های مؤمنان را شفا بخشد و خشم دل‌های آنها را ببرد و توبه هر که را خواهد پذیرد و خدا دانای فرزانه است! آیا پنداشتید که به حال خود واگذار شده‌اید و خدا کسانی از شما را که جهاد کردند و جز او و پیامبرش و مؤمنان دوست و هم‌رازی نگرفتند نمی‌شناید؟

(نه) خدا به تمام آن چه می‌کنید آگاه است. (۱۳ - ۱۶)

۱. به نظر مفسران باید آیه اول این سوره را با آیه ۴ آن خواند تا مشرکانی که مورد بیزاری قرار گرفته‌اند روشن شوند.

بر مشرکان نشاید که مساجد خدا را آباد کنند در حالی که شاهد کفر خود باشند. اعمال آنها تباہ است و در آتش جاویدان بمانند! همانا مساجد خدا را کسی تعمیر و آباد می‌کند که به خدا و روز قیامت ایمان آورد و نماز برپا دارد و زکات بدهد و جز از خدا از کسی نهراسد. پس امید است که از هدایت یافتگان گردد! (۱۷ - ۱۸)

آیا آب دادن به حاجیان و تعمیر مسجدالحرام را همانند کار کسی می‌دانید که به خدا و روز قیامت ایمان آورد و در راه خدا جهاد کند؟ (نه!) نزد خدا آنها یکسان نیستند و خدا گروه ستمکاران را هدایت ننماید. کسانی که ایمان آوردند و مهاجرت کردند و با مال و جان خویش در راه خدا جهاد نمودند نزد خدا مرتبه بس والائی دارند و رستگاران و کامیابانند! پروردگارشان آنها را به رحمت و خشنودی خویش و بهشت‌هایی که در آنها برایشان نعمت دائمی است بشارت می‌دهد. برای همیشه در آن ماندگار خواهند بود زیرا که پاداش بزرگ نزد خدا است. (۱۹ - ۲۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر پدران و برادرانتان کفر را بر ایمان ترجیح بدهند آنها را دوست خود مگیرید و هر کس از شما که آنها را به درستی برگزیند بیگمان خود ستمکارانند! بگو اگر پدران، و فرزندان، و برادران، و همسران، و خویشاوندانتان، و اموالی که گردآورده‌اید، و تجارتی که از کساد شدنش می‌ترسید، و مسکن‌هایی که شما خوش دارید برای شما گرامی‌تر از خدا و پیامبرش و جهاد در راه او باشد پس منتظر باشید تا امر الهی برسد! و خدا تبهکاران را هدایت ننماید! (۲۳ - ۲۴)

خدا در موارد زیاد (از جمله) در غزوهٔ حنین شما را یاری کرد آنگاه که کثرت عدمتان شما را شگفت زده نمود در حالی که آن عدهٔ بسیار، شما را (در برابر دشمن) بی‌نیاز نکرد و زمین با همهٔ فراخی بر شما تنگ گشت سپس پشت به دشمن فرار نمودید! پس از آن خدا بر پیامبر و مؤمنین آرامشی از سوی خود نازل کرد و لشکریانی فرستاد که شما آنها را نمی‌دیدید^۱ و کافران را عذاب کرد و این است سزای کافران! خدا بعد از آن واقعهٔ فرار بر هر که خواهد توبه‌اش را ببیند و خدا آمرزگار مهربان است. (۲۵ - ۲۷)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید به راستی که مشرکان پلید و ناپاکند. بعد از این سال به مسجدالحرام نزدیک نشوند و اگر شما (بر اثر نیامدن آنها) از فقر بیم دارید خدا به زودی، اگر بخواهد از فضل خویش بی‌نیازتان می‌نماید و همانا خدا دانای فرزانه است. با کسانی که به خدا و روز آخرت ایمان نیاورند و آن چه را که خدا و رسولش حرام کرده‌اند حرام ندانند و دین حق را از کسانی که به آنها کتاب داده شده، نپذیرند جهاد کنید تا این که به دست خویش جزیه بدهند و آنها خوارشدگانند. (۲۸ - ۲۹)

یهودیان گفتند عزیز پسر خدا است. نصارا نیز مسیح را پسر خدا گفتند. این گفتهٔ آنها در زبان‌هایشان است تا با گفته‌های کسانی که پیش از این کفر ورزیدند هماهنگ سازند. خدا آنها را بکشد که چگونه دروغ می‌گویند! آنها سوای خدا، دانشمندان و زاهدان خود و مسیح بن‌مریم را پروردگار خود می‌گیرند در حالی که به آنها حکم شده است فقط خدای بگانه را بپرستید. خدائی که جز او معبودی نیست و پاک و منزّه است از آن چه بدو شریک است. ۱. این جنگ با قبیلهٔ هوازن بود. مسلمانان دوازده هزار و سپاه دشمن چهار هزار نفر بود. مسلمانان مغرور شدند و جنگ را جدی‌نگرفتند. ولی سپاه دشمن غلاف شمشیرهای خود را شکسته حمله کردند. مسلمین شکست خورده پا به فرار نهادند. عباس عموی پیامبر که در آن معرکه بود بانگ زد ای مسلمانان پیامبر را در برابر دشمن گذاشته کجا فرار می‌کنید. آنها بازگشتند و به حکم این آیه با نصرت الهی بر دشمن پیروز شدند.

قرار می‌دهند! کافران می‌خواهند نور خدا را با دهان و گفته‌های خود خاموش سازند ولی خدا می‌خواهد نور خود را تمام و کامل کند اگر چه کافران نخواهند! و خدائی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همهٔ دین‌ها برتری دهد هر چند مشرکان نخواهند. (۳۰ - ۳۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید بدانید که بسیاری از علما و زاهدان اموال مردم را به باطل می‌خورند و آنها را از راه خدا باز می‌دارند. و کسانی که طلا و نقره ذخیره می‌کنند و آنها را در راه خدا انفاق نمی‌نمایند آنها را به عذاب دردناکی بشارت بده! روزی آن زر و سیم در آتش جهنم افروخته گردد و پیشانی‌ها و پشت‌های آنان با آنها داغ گذاشته شود (و به آنها گفته شود) این است آن چه برای خویش ذخیره کردید. پس آن چه را که ذخیره کرده‌اید بچشید! (۳۴ - ۳۵)

همانا شمار ماه‌ها نزد خدا دوازده ماه است، در کتاب خدا در روزی که آسمان و زمین را آفرید. از اینها چهار ماه حرام است. این حساب درست و استوار می‌باشد. در آن چهار ماه بر خویشتن ستم مکنید و با همهٔ مشرکان بجنگید هم چنان که آنها همگی با همهٔ شما می‌جنگند و بدانید که خدا با پرهیزکاران است! تغییر در ماه‌های حرام زیاده روی در کفر است. کسانی که کافر شده‌اند به سبب آن گمراه می‌شوند که یک سال آن را حرام می‌شمارند و سال دیگر حلال تا شمار ماه‌هایی را که خدا حرام کرده است مطابق نمایند. پس آن چه را خدا حرام کرده است حلال سازند^۱. اعمال بدشان بر آنها آراسته شد و خدا هرگز کافران را هدایت نخواهد نمود. (۳۶ - ۳۷)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر شما چه شده است که وقتی گفته می‌شود در راه خدا (برای جهاد) بیرون آئید بر زمین سنگین و گران‌بار می‌شوید. آیا به زندگی دنیا در مقابل آخرت راضی و خوشنود شده‌اید؟! بدانید که متاع دنیا در آخرت اندکی بیش نیست. اگر در راه خدا بیرون نیائید شما را به عذاب دردناکی عذاب می‌نماید و قوم دیگری به جایتان می‌گمارد. شما هیچگونه زینتی به او نمی‌رسانید و خدا بر همهٔ امور قادر و توانا است. اگر شما (پیامبر) را یاری ندهید به یقین خدا او را یاری می‌نماید چنان که وقتی کفار او را از (مکه) بیرون کردند خدا او را یاری داد و او دومین دو تن بود که در غار بودند. هنگامی که او به رفیق خود گفت مترس که خدا با ما است پس خدا طمانینه و آرامش بر دل او نازل کرد^۲ و (پیامبر را) با سپاهی که شما نمی‌دیدید یاری نمود. ندای کافران را پست کرد! کلام خدا برتر است و او توانای فرزانه می‌باشد. سبکبار و سنگین‌بار بیرون آئید و با مال و جان خویش در راه خدا جهاد کنید. این کار برای شما بهتر است اگر بدانید! اگر غنیمت نزدیک و سفر آسان بود آنها در پی تو می‌آمدند ولی سفری که دور باشد بر آنها پر مشقت می‌نماید، و به زودی به خدا سوگند می‌خورند که اگر توانائی داشتیم با شما بیرون می‌آمدیم. آنها خویشتن را به دست هلاکت می‌سپارند و خدا می‌گوید که دروغ می‌گویند. (۳۸ - ۴۲)

(ای پیامبر) خدا از تو درگذرد چرا به آنان رخصت دادی (که به‌جنگ نروند اگر رخصت نمی‌دادی) آنان که راست می‌گفتند بر تو معلوم می‌شد و دروغ‌گویان را می‌شناختی! آنان که

۱. این رسم دوران جاهلیت بود که یک سال منادی ندا می‌داد که خدایان محرم را حرام کردند آن را حرام دارید. و سال دیگر به نحو دیگر. و با این تغییرات بی اساس مردم گمراه می‌گشتند و مثلاً به جای ذبیحه در ذبیعه حج می‌کردند. لازم به یادآوری است که ماه‌های حرام ذبیعه، ذبیحه، محرم، و رجب می‌باشند.

۲. اشاره به توقف پیامبر و ابوبکر در غار ثور در موقع هجرت به مدینه است. ابوبکر در غار بی‌تابی می‌کرد و رسول او را دلداری می‌داد.

به خدا و روز آخرت ایمان آورده‌اند از تو اجازه نمی‌خواهند که با مال و جانشان جهاد کنند و خدا به حال پرهیزکاران دانا است. همانا کسانی از تو اجازه می‌خواهند که به خدا و روز قیامت ایمان ندارند و دل‌هایشان در شک افتاده است و آنان در تردیدشان سرگردانند! اگر می‌خواستند به جنگ بروند البته ساز و برگ لازم فراهم می‌کردند ولی خدا برانگیختن آنها را برای جهاد خوش نداشت و آنها را باز داشت و به آنان گفته شد با عاجزان و معلولان بنشینید! اگر آنها با شما بیرون می‌آمدند جز فساد و ناراحتی بر شما نمی‌افزودند و در هر کاری از کارهای شما اخلال می‌نمودند و فته‌جویی می‌کردند و در بین شما هم شئون‌نگانی برای آنها بود و خدا بر ستمکاران دانا است! پیش از این هم آنها در پی فته‌جویی بودند و کارها را بر تو دگرگونه می‌نمودند تا این که حق ظاهر شد و امر الهی آشکار گشت. و آنان از فتوحات شما ناخشنود می‌باشند. (۴۳ - ۴۸)

در بین آنها کسی هست که می‌گوید مرا اجازه بده (به جنگ بروم) و مرا در فتنه جنگ قرار مده^۱. بدان که آنها خود در فتنه افتاده‌اند و همانا دوزخ فرا گیرنده کافران است! اگر واقعه نیکی به تو روی نماید آنان را بد آید و اگر رنج و مصیبتی به تو رسد گویند که ما از پیش احتیاط کار خویش کرده‌ایم و از شما روی برمی‌گردانند در حالی که شادمانند! بگو جز آن که خدا خواسته و بر ما مقرر داشته هرگز چیزی به ما نمی‌رسد. او یار و مولای ما است و مؤمنان بر خدا توکل می‌نمایند! بگو مگر شما جز یکی از دو خوشی بر ما انتظار می‌کشید (نصرت در جنگ یا شهادت)؟ ولی ما در مورد شما انتظار آن را داریم که خدا از جانب خویش و یا به دست ما شما را عذاب نماید. پس منتظر باشید ما هم با شما در انتظار خواهیم بود! بگو شما خواسته و نخواست، هر چه انفاق کنید پذیرفته نخواهد شد زیرا شما گروه تبه‌کارانید! هیچ امری مانع قبول نفقات و احسان‌های آنها نیست جز آن که به خدا و رسولشان کفر ورزند و به نماز حاضر نشوند مگر در راه اکراه و کسالت. و انفاق و احسان نکنند مگر در حالی که کراهت داشته و آن را خوش ندارد! (۴۹ - ۵۴)

(ای پیامبر) اموال و اولاد آنها تو را شگفت نیارد. خدا می‌خواهد آنها را در زندگی دنیا با آن مال‌ها و فرزندان عذاب دهد در حالی که کافرانند جان‌هایشان از تن برود! به‌خدا سوگند خورند که از شما بایند ولی در باطن از شما نیستند. گروهی هستند که از (قدرت اسلام) هراسانند! اگر پناهگاهی یا غاری یا نهانگاهی بیابند شنابان به آن روی آورند! بعضی از آنها در تقسیم صدقات بر تو عیب می‌گیرند. اگر از صدقات به آنها داده شود خوشنود گردند و اگر از آنها بی‌بهره ماندند خشمگین می‌شوند! (چه می‌شد) اگر بدان چه خدا و رسولش به آنان عطا نمودند راضی می‌شدند و می‌گفتند خدا برای ما کافی است و به زودی خدا و رسولش از فضل خویش بر ما عطا نمایند که تنها به خدا امیدواریم. (۵۵ - ۵۹)

همانا صدقات مختص است به فقرا، و مساکین، و جمع‌آورندگان ذکات و اداره‌کنندگان امور آن، و آنهایی که برای اسلام از دیگران دل به دست می‌آورند، و آزاد کردن بندگان، و (کمک) به واداران، و در راه خدا، و در راه ماندگان. و این امر واجبی است از جانب خدا و خدای دانای فرزانه می‌باشد. و (از منافقان) کسانی هستند که پیامبر را می‌آزارند و گویند مردی گوشی و دهن بین است. بگو گوشی بودن و زودباوری برای شما خیر است. او به خدا ایمان آورده و بر مؤمنان اطمینان دارد و برای کسانی از شما که ایمان آورده‌اند رحمت است. و بر آنان که رسول را می‌آزارند عذاب دردناکی خواهد بود. (۶۰ - ۶۱)

برای خوشنود ساختن شما سوگند می‌خورند در حالی که اگر ایمان داشتند سزاوارتر

۱. نام این شخص را جدی بن‌القیس خزرجی نوشته‌اند که از منافقان بود.

آن بود که خدا و رسولش را خوشنود سازند! آیا نمی‌دانند هر کس با خدا و پیامبر او مخالفت کند بی‌گمان آتش دوزخ کیفر دائمی آنها است و در آن جاویدان بمانند. و این ذلت و رسوائی بزرگ است. منافقان از آن می‌ترسند که خدا سوره‌ای فرستد که آنها را آن چه در دل‌هایشان می‌گذرد خبر دهد بگو استهزا کنید بی‌گمان خدا ابرازکننده چیزی است که شما از آن حذر می‌نمائید! اگر از آنها بپرسی (چرا استهزا می‌کنید) گویند ما به شوخی و مطایبه صحبت داشتیم! بگو آیا به خدا و آیات او استهزا می‌کنید؟! (نه!) عذر نیاورید. واقعاً شما بعد از ایمان آوردنتان کافر شدید. اگر از گناه گروهی از (نادانان) شما درگذریم گروه دیگر را عذاب خواهیم نمود بدان جهت که گناهکار بودند! (۶۲ - ۶۶)

مردان و زنان منافق بعضی از بعضی دیگرند و طرفدار همدیگر. مردم را به کارهای نهی شده امر می‌دهند و از کارهای نیکو نهی می‌نمایند و دست‌های خود را برای انفاق و احسان می‌بندند. خدا را فراموش کرده‌اند پس خدا هم آنها را فراموش کرده است. همانا منافقان مردم تبهکارانند! خدا به مردان و زنان منافق و نیز به کفار آتش جهنم وعده کرده است که در آن جاویدان بمانند! این برای آنها کافی است و خدا بر آنان لعنت کرده است و برای آنان عذاب دردناکی می‌باشد! مانند کسانی که پیش از شما، با قدرت و اولاد بیشتر از شما، از متاع دنیا نصیب و بهره گرفتند شما هم از نصیب خود بهره‌مند شدید بدان سان که گذشتگانان از نصیب خود بهره گرفتند. و (چیزهای باطل) گفتید همچنان که آنها گفتند. این گروه اعمالشان در دنیا و آخرت تباہ گشت و آنها خودشان زیانکارانند! آیا اخبار کسانی که قبل از آنها بودند مثل قوم نوح، و عاد، و ثمود، و قوم ابراهیم، و اصحاب مدین، و (مردم شهرهای ویران شده) مؤتفکات بر آنها نیامده؟ پیامبران آنها با دلایل و حجت‌ها بر آنها آمدند (ولی آنها کفر ورزیدند). پس این خدا نبود که به آنان ظلم کرد بلکه خودشان بودند که بر خویشتن ستم نمودند! (۶۷ - ۷۰)

مردان و زنان مؤمن بعضی دوستدار بعضی دیگرند. آنان مردم را به کارهای نیکو امر می‌دهند و از کارهای زشت نهی می‌نمایند و نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند. خدا آنها را مشمول رحمت خویش خواهد کرد که خدا مقرر فرزانه است! خدا به مردان و زنان مؤمن بهشت‌هایی را وعده کرده است که از زیر آنها نهرها جاری است. آنها در آنجا جاویدان باشند و در مسکن‌های پاکیزه در بهشت عدن منزل خواهند داشت. و بیشتر از همه خوشنودی الهی از آنان خواهد بود و آن به واقع کامیابی بزرگی است. (۷۱ - ۷۲)

ای پیامبر! با کفار و منافقان جهاد کن و بر آنان سخت بگیر. جایگاه آنان جهنم است و بسیار جایگاه بدی است! آنها به خدا سوگند می‌خورند که کفر نگفتند ولی به یقین سخت کفر گفتند و بعد از اسلام آوردنشان کفر ورزیدند و بر چیزی همت گماشتند که بدان نرسیدند و به جای این که از آن بی‌نیازی، که به فضل خدا و رسولش نصیب آنها گشت، شکر کنند در مقام کینه برآمدند! با این حال اگر توبه کنند برای آنها بهتر است ولی اگر روی برگردانند خدا در دنیا و آخرت آنها را به عذاب دردناکی معذب گرداند و در روی زمین برای آنها دوستداران و یاورانی نباشد! و بعضی از آنها با خدا اینگونه عهد بستند که اگر از فضل او بهره یافتند حتماً صدقه بدهند و از جمله نیکوکاران گردند! اما وقتی که فضل و نعمت الهی نصیب آنها گشت بدان بخل ورزیدند و از دین روی برگردانیدند و آنان اعراض^۱ نوشته‌اند که در غزوه تبوک کسانی از منافقان که با رسول آمده بودند در خلوت او را ناسزا می‌گفتند. پیامبر خبردار شد و آنان را ملامت کرد. آنها سوگند خوردند که نگفته‌اند و این آیه در آن مورد است.

کنندگان بودند^۱. و به سبب خلف و عده‌ای که با خدا کردند و به جهت دروغی که گفتند خدا در دل‌های آنها نفاق افکند تا روزی که جزای آن خلاف و کذب را ببینند! آیا نمی‌دانند که خدا باطن و راز آنها را می‌داند و خدا دانندهٔ غیب‌ها است؟! (۷۳ - ۷۸)

کسانی بر مؤمنان عیب‌جویی می‌کنند که مال بیشتری به صدقه می‌دهند و مؤمنان دیگری را، که جز به اندازهٔ طاقت خویش (برای صدقه) نمی‌یابند مسخره می‌نمایند. خدا هم آنها را تمسخر می‌کند و برای آنها عذاب دردناکی باشد!^۲ خواهی بر آنها بخشش طلب کن یا درخواست آموزش نما اگر هفتاد مرتبه هم برای آنها بخشش طلب کنی هرگز خدا آنها را نخواهد بخشید زیرا آنها به خدا و رسولش کفر ورزیدند و خدا گروه تبه‌کاران را هدایت ننماید! (۷۹ - ۸۰)

کسانی که، از تخلف از حکم جهاد در کنار پیامبر خدا، شاد شدند و دوست نداشتند که با مال و جان در راه خدا جهاد کنند، و (مؤمنان را منع کرده) گفتند در این گرمای سوزان بیرون نروید آنان را بگو که گرمای دوزخ شدیدتر است اگر بفهمید! آنها، به کیفر آن چه کردند، باید کم بخندند و بسیار گریه کنند! اگر خدا تو را به سوی گروهی از آنها بازگرداند و آنها برای رفتن به جنگ اجازه خواهند بگو با من بیرون خواهید آمد و هرگز همراه من با دشمن نخواهید جنگید. شما که بار اول به نشستن (در خانه) شادمان بودید اکنون هم با بازماندگان بنشینید! بر هیچ یک از آنان که بمیرد نماز مخوان و بر کنار قبرش توقف مکن که آنها به خدا و رسولش کفر ورزیدند و مردند در حالی که تباه‌کار بودند! اموال و اولاد آنها تو را متعجب نسازد. همانا خدا خواسته است که آنان را در دنیا و با آن اموال و اولاد معذب دارد و در حال کفر جانشان درآید! (۸۱ - ۸۵)

و چون سوره‌ای نازل شود که به خدا ایمان آورید و به اتفاق پیامبرش جهاد کنید توانگران آنها از تو رخصت طلبند و گویند ما را بگذار با بازماندگان باشیم! راضی شدند که با زنان و کودکان بازمانده باشند. بر دل‌هایشان مهر زده شده و درک حقایق ننمایند! اما پیامبر و کسانی که به او ایمان آورده‌اند با مال و جانشان جهاد کردند. همهٔ خیرات و نیکوئی‌ها شایستهٔ آنها است و آنها این که رستگار اند. خدا برای آنها بوستان‌هایی آماده کرده که در زیر درختان آنها نهرها روان است. آنها در آنجا جاویدانند و این کامیابی بزرگی است. (۸۶ - ۸۹) و بهانه‌آوران بادیه‌نشین آمدند که به آنها اجازهٔ ماندن (و نرفتن به جهاد) داده شود و آنان که به خدا و رسول دروغ گفتند باز نشستند. به زودی به کسانی از آنها که کفر ورزیدند عذاب دردناکی برسد! بر ضعفا و بیماران و کسانی که قادر به تهیهٔ مخارج و نفقه عیال و اولاد خود نیستند تکلیف جهاد نیست در صورتی که بر خدا و رسولش اخلاص ورزند. بر نیکوکاران راه ملامت نیست و خدا آمرزندهٔ مهر بیان است. و نه بر کسانی که پیش تو آمدند

۱. مردی به نام تغلبه بن‌خاطب به اصرار از پیامبر خواست که دعا کند تا خدا مالی به او رساند. دعا مستجاب شد و او ثروتمند گشت ولی بخل ورزید تا آنجا که رسول برای مطالبهٔ زکات کس پیش او فرستاد و او گفت که این جزیه است و من جزیه نمی‌دهم!

۲. پیامبر برای فراهم آوردن وسایل جنگ تبوک از مؤمنان کمک مالی خواست. عبدالرحمن بن عوف چهار هزار درهم آورد و گفت هشت هزار درهم داشتم نصف برای عیالم گذاشتم و نصف آوردم. عمر بن خطاب هم چهار هزار درهم آورد. پیامبر پرسید برای عیالت چه گذاشتی گفت خدا و رسول را. مردی به نام بو عقیل انصاری هم آمد و یک صاع خرما آورد و گفت همه شب آب کشیدم و دو صاع خرما مزد گرفتم. یک صاع برای عیال و فرزندانم گذاشتم و یک صاع برای شما آوردم. کسانی از منافقان زبان به عیب‌جویی از آن دو عبدالرحمن و عمر گشودند که آنها برای کسب نام آن همه دادند. و صدقهٔ کم بو عقیل را هم به مسخره گرفتند که خدا بدان چه خواهد داد؟ و این آیه در این مورد است.

که لوازم سفر برای آنها فراهم سازی گفתי چیزی نمی‌یابم که برای شما فراهم کنم. آنها بازگشتند در حالی که چشم‌هایشان از شدت غم و اندوه از اشک لبریز بود که چرا چیزی ندارند تا وسایل سفر خود را فراهم نمایند! ملامت بر کسانی روا است که با وجود تمکن و دارائی از تو رخصت می‌طلبند و خوش دارند که با کودکان و زنان بازمانده باشند. خدا بر دل‌های آنها مهر نهاده که حقایق را نمی‌دانند! وقتی از جنگ به سوی آنان بازگشتید از شما عذرخواهی کنند. بگو بهانه نیاورید. شما را هرگز باور نداریم. همانا خدا از اخبارتان ما را خبر داده است و زود باشد که خدا و رسولش اعمال شما را ببینند آنگاه به سوی دانای نهان و آشکار بازگردانده شوید و او شما را از آن چه می‌کردید خبر دهد! وقتی شما به سوی آنها باز آئید سوگند خورند که از تخلف آنها صرف‌نظر کنید. پس از آنها روی برگردانید زیرا آنها آدم‌های پلیدی هستند و به کیفر آن چه کسب می‌کردند جایگاهشان دوزخ باشد! برای شما به خدا سوگند خورند که از آنان راضی و خوشنود باشید. (ای پیامبر) اگر شما هم از آنها خوشنود باشید بی‌گمان خدا از گروه تبه‌کاران راضی نخواهد شد. (۹۰ - ۹۶)

اعراب بادیه‌نشین از حیث کفر و نفاق شدیدتر از دیگرانند و سزاوارترند که حدود آن چه را که خدا بر رسولش نازل کرده ندانند و خدا دانای فرزانه است! برخی از اعراب بادیه‌نشین که انفاق می‌کنند آن را غرامت می‌شمارند و در انتظار آنند که بر شما پیش‌آمدهای بد رخ نماید و خدا شنوای دانا است! بعضی از همین اعراب بادیه‌نشین به خدا و روز قیامت ایمان آورده‌اند و آن چه را که انفاق می‌کنند برای نزدیکی به خدا و درود بر پیامبر انجام می‌دهند. بدان که انفاق آنها موجب نزدیکی به خدا است. خدا به زودی آنها را در قلمروی رحمت خویش درآورد که خدا آمرزگار مهربان است. (۹۷ - ۹۹)

پیشینیان نخستین، از مهاجر و انصار و کسانی که در نیکوکاری از آنان پیروی کردند، خدا از آنها خوشنود است و آنان هم از خدا راضی می‌باشند. خدا برای آنها بهشت‌هایی آماده کرده است که در زیر درخت‌های آنها نهرها روان است و آنها برای همیشه در آن منتعم خواهند بود و این کامیابی بزرگی می‌باشد! بعضی از اعراب اطراف مدینه منافقند و کسانی از شهروندان مدینه هم بر نفاق خو گرفته‌اند. تو آنها را نمی‌شناسی ما آنها را می‌شناسیم و آنان را به زودی دوبار عذاب می‌کنیم سپس به عذاب سخت بازگردانده خواهند شد! و دیگرانی از آنها که به گناهان خویش اعتراف کردند کار نیک را با کار بد دیگر بی‌می‌ختند. امید است خدا توبه آنها را بپذیرد. بی‌گمان خدا آمرزگار مهربان است! (۱۰۰ - ۱۰۲)

(ای رسول) از اموال آنها صدقه و زکات بگیر و آن مال‌ها را بر آنان پاکیزه گردان و برای آنان دعا کن^۱. بی‌گمان دعای تو برای آنان آرامش است و خدا شنوای دانا است! آیا آنها نمی‌دانند که خدا از بندگان توبه می‌پذیرد و صدقات را قبول می‌کند و این که همو توبه‌پذیر مهربان است؟! و بگو هر عملی خواهید انجام دهید خدا و رسولش و مؤمنین آن را می‌بینند و به زودی شما به سوی دانای نهان و آشکار باز خواهید گشت تا شما را از آن چه کرده‌اید آگاه سازد! گروه دیگری هستند که کارشان به مشیت الهی بسته است یا عذابشان کند و یا از گناهانشان درگذرد و خدا دانی فرزانه است. (۱۰۳ - ۱۰۶)

کسانی که برای زیان اسلام مسجد ضراری بنا کردند و خواستشان کفر و جدائی افکندن بیم مؤمنان. و کمینگاه برای آنهایی که در گذشته با خدا و رسولش محاربه کردند، بود. با ۱. آنان آنهایی بودند که از نرفتن به غزوه تبوک پشیمان شده خود را به ستون‌های مسجد بسته بودند. پیامبر پس از بازگشت از تبوک از حال آنان خبر یافت و چون خدا در این آیه فرمود "امید است توبه آنان پذیرفته گردد آنها را از ستون‌ها باز کرد.

همه این احوال سوگند خوردند که جز نیکی و خدمت به اسلام منظوری نداریم. ولی خدا شهادت می‌دهد که دروغ می‌گویند! تو هرگز در آن مسجد پا منه. همانا مسجدی که از روز اول بر تقوی پی‌ریزی شده (مسجد قبا) شایسته تر است که در آن (به نماز) به ایستی. در آن مردانی هستند که دوست دارند پاک باشند و خدا پاکان را دوست دارد! آیا کسی که مسجدی به قصد تقوی و خداپرستی به وجود آورد بهتر است یا کسی که بنای خویش را بر پرتگاه سرایشی بسازد^۱ که بدان در آتش دروغ واژگون شود و خدا گروه ستمکاران را هدایت ننماید! بنائی که آنها بر کفر و نفاق برپا داشتند همیشه شکی باشد در دل‌هایشان مگر آن که دل‌هایشان پاره پاره شود و خدا دانای فرزانه است. (۱۰۷ - ۱۱۰)

همانا خدا از مؤمنان نفس‌ها و اموالشان را، در برابر آن که بهشت برای آنها باشد، خریداری نمود. آنها در را خدا جنگ می‌کنند می‌کشند و کشته می‌شوند. این وعده حق است بر خدا که در تورات و انجیل و قرآن از آن یاد کرده است و کیست که وفا کننده‌تر از خدا به پیمان‌ش باشد؟! پس شاد باشید به معامله‌ای که با خدا کردید و این همان کامیابی بزرگ می‌باشد. آنها توبه‌کنندگان، و پرستندگان، و شکرگزاران، و روزه‌داران، و رکوع‌کنندگان، و سجده‌کنندگان، و امر به معروف‌کنندگان، و نهی از منکر‌کنندگان، و نگاه‌دارندگان حدود الهی هستند و مؤمنان را بشارت بده. (۱۱۱ - ۱۱۲)

بر پیامبر و کسانی که ایمان آورده‌اند سزاوار نیست که بر مشرکین طلب آمرزش کنند، اگر چه از خویشان و نزدیکان باشند، پس از آن که بر آنان آشکار شد که آنها یاران دوزخند! آمرزش‌خواهی ابراهیم بر پدرش به‌خاطر وعده‌ای بود که به او داده بود و چون برایش روشن شد که او دشمن خدا است از او بیزار گشت و بی‌گمان ابراهیم بسیار بردبار و خدا ترس بود. (۱۱۳ - ۱۱۴)

خدا بر آن نیست که گروهی را بعد از آن که هدایت فرمود گمراه سازد (مگر آن که) آن چه را که باید پرهیز نمایند بر آنان بیان دارد^۲. همانا خداوند به همه امور عالم دانا است. فرمانروائی آسمان‌ها و زمین از آن خدا است. اوست که زنده می‌کند و می‌میراند و برای شما جز او یار و دوستداری نباشد. (۱۱۵ - ۱۱۶)

به یقین خدا توبه‌ پیامبر و کسانی از مهاجرین و انصار را، که در هنگام سخت در ماندگی (در جنگ تبوک) از او پیروی کردند، پذیرفت بعد از آن که نزدیک بود دل‌های گروهی از آنها بلغزد سپس توبه آنها را قبول کرد که او بر آنان رثوف و مهربان است! و نیز توبه سه کس، که از امر رسول خدا خلاف کرده (به جنگ نرفته بودند) پذیرفته‌شد^۳. آنها نادان بودند تا آنجا که زمین با همه فراخی بر ایشان تنگ آمد و جان‌هایشان به لب رسید و دانستند که از ۱. در موقع ورود حضرت رسول به مدینه به هنگام حجرت، اول مسجد اسلام در محلی به نام قبا در دو فرسخی مدینه به دست خود او ساخته شد. بعدها جماعتی از منافقان (بنی غنم بن عوف) بر آن حسد برده در نزدیکی آن مسجد دیگری ساختند و از پیامبر خواستند که در آنجا نماز بگذارد. قصد آنها این بود که بین مسلمانان محل اختلاف پیش آورند و به اسلام زیان بزنند در حالی که به ظاهر می‌گفتند به اسلام خدمت می‌کنند. پیامبر در استانه حرکت به جنگ تبوک بود فرمود پس از بازگشت در آن مسجد نماز می‌گذارد. پس از مراجعت می‌خواست بدان وعده وفا کند که آیت آمد آن مسجد ضرار است و در آن داخل مشو. در نتیجه به دست ایشان مسجد خراب گردید.

۲. مثلاً در اوایل هجرت، مسلمانان به سوی مسجد الاقصی نماز می‌خواندند بعد که قبله به سمت مسجدالحرام عوض شد عده‌ای خبر نداشتند همچنان نماز به طرف مسجد الاقصی می‌گزارند در این آیت می‌فرماید خدا بر آن نیست که آنها را گمراه و مؤاخذه نماید بلکه بعد از آن که از آن آگاه شدند باید بدان عمل کنند.

۳. زیرنویس آیه ۱۰۳ همین سوره را ملاحظه فرمائید.

خدا جز به سوی خود او پناهی نیست! پس توبه کردند و خدا توبه آنها را پذیرفت زیرا خدا توبه‌پذیر مهربان است. (۱۱۷ - ۱۱۸)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا بترسید و از راستگویان باشید. بر اهل مدینه و اعرابی که در اطراف آن ساکنند شایسته نیست که از دستور پیامبر تخلف نمایند و جان خویش را از جان او عزیزتر دارند. این بدان جهت است که رنج تشنگی و گرسنگی و خستگی در راه خدا نکشند و در جاهائی که کفار را به خشم آورد قدم نگذارند و هیچ دستبردی به دشمن نزنند مگر آن که بر هر یک از آنها عمل صالحی نوشته شود که خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نگرداند! هیچ مالی، چه کم و چه زیاد انفاق نکنند و هیچ وادئی را طی ننمایند جز آن که در نامه عمل آنها نوشته شود تا خدا بهتر از آن چه کردند به آنان پاداش دهد. (۱۱۹ - ۱۲۱)

مؤمنان نباید همه با هم برای جنگ بیرون آیند. پس چرا از هر طایفه‌ای کسانی برای آموختن علم دین (نزد رسول) نمانند تا هنگامی که به سوی قوم بازگردند (با بیان احکام الهی) آنان را بیم دهند باشد که آنها هم از خدا بترسند! (۱۲۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید با آن گروه از مشرکان که به شما نزدیکترند پیکار کنید. آنها باید در شما سختی و نیرومندی ببینند و بدانند که خدا با پرهیزکاران است. (۱۲۳)

و چون سوره‌ای نازل شود برخی از آنها به دیگران گویند این سوره به ایمان کدام یک از شما افزود؟ ولیکن کسانی که ایمان آورده‌اند بر ایمانشان بیفزود و آنها شادمانند! ولی کسانی که در دل‌هایشان بیماری است پس بر پلیدیشان پلیدی دیگر افزوده شد و مردند در حالی که کافر بودند! آیا منافقان نمی‌بینند که در هر سال یکی دو بار آزموده می‌شوند؟ با این حال نه توبه می‌کنند و نه پند می‌گیرند! و چون سوره‌ای نازل شود بعضی از آنها به بعضی دیگر می‌نگرند و می‌گویند آیا کسی شما را می‌بیند (که یواشکی از اینجا برویم) سپس برمی‌گردند! خدا دل‌هایشان را برگرداند که گروهی نافهمند! همانا پیامبری از خود شما به سوی شما آمده بر او سخت می‌آید از آن چه شما رنج می‌کشید. بر (هدایت) شما حریص و راغب است و بر مؤمنین رئوف و مهربان می‌باشد! پس (ای پیامبر) اگر روی برگردانیدند بگو خدا مرا کافی است. جز او معبودی نیست. براو توکل کردم و او پروردگار عرش عظیم است. (۱۲۴ - ۱۲۹)